

تفاح‌خیز

- شکوه همسخنی با شرق
- پارسایی در حاشیه رود
- پلی بر روی غفلت‌ها و سوء تفاهم‌ها
- بشارت‌هایی برای دین سبز



شکوه همسخنی با شرق

نگاهی به زندگی و آثار خانم پروفیسور

آنه ماری شیمیل

دکتر محمدمنانگیری

جستار گشایی:

پس از عصر روشنگری و رواج سفرنامه نویسی در اروپا، بسیار بودند کسانی که عزم دیار شرق کردند تا با خود تحفه های بسیار به مغرب زمین برند. رهاورد این سیاحت ها اگرچه بیشتر تحفه های مادی بود که به استعمار ملت های شرقی انجامید اما در این میان بودند افرادی که تحفه های معنوی از مشرق زمین به ارمغان بردند. هامر پورگشتال شرق شناس اتریشی که بی گمان او را باید از مهم ترین پیشگامان شناخت مشرق زمین در دنیای آلمانی زبان به حساب آورد، نام مجله خود را که ۹ سال در وین به صورت منظم منتشر می شد، مخزن الکنوز المشرقیه نامید که در آن گنج های معنوی شرق و میراث اندیشمندان ایرانی جای می داد. گرایش به ادبیات و فرهنگ ایرانی و اسلامی بعدها با دیوان شرقی-غربی گوته در دنیای آلمانی زبان رو به فزونی نهاد و فردریش روکرت با ترجمه های منظوم و بدیع خود آن را به نقطه اوج خود رساند. شرق شناسی آلمانی برخلاف شرق شناسی فرانسوی و انگلیسی جنبه استعماری نداشت و بیشتر رویکردی علمی و اکادمیک داشت و از این رو در دانشگاه های و موسسات علمی آلمان محققان برجسته ای چون هلموت ریتز و هانس فردریش شدر ظهور کردند که تحقیقاتی میسوط در حوزه عرفان اسلامی انجام دادند اما بی گمان بانوی شرق شناسی آلمان که البته خود را همیشه مدیون روکرت می دانست و مقام وی را در ترجمه شعر شرقی می ستود، سرآمد این جریان فکری در دنیای آلمانی زبان است که چند سالی است رخ در نقاب خاک کشیده اما آثار و تالیفاتش هنوز به زبان فارسی ترجمه می شوند. شیمیل معتقد بود که شرق را تنها با قلبی عاشق می توان شناخت و شاید این سخن او متأثر از آن بیت زیبای اقبال بود که:

غریبان را زیرکی ساز حیات

شرقیان را عشق راز کائنات

در این نوشتار برآنیم تا به اختصار به زندگی و آثار و افکار خانم پروفیسور آنه ماری شیمیل بپردازیم:

الف- زندگینامه

"در هفت سالگی حکایتی شرقی ذهنم را به خود مشغول کرد. آن حکایت که بعدها فهمیدم متأثر از حدیث پیامبر اسلام (ص) بوده است که الناس نیام اذا ماتوا انتبهوا بسیار مرا تحت تأثیر قرار داد به گونه ای که فکر کردم این همان چیزی است که می خواهم. مادرم از خانواده ای دریانورد بود و پدرم علاقه زیادی به فلسفه و عرفان داشت، وقتی بزرگتر شدم، با پدرم درباره این موضوعات بحث می کردم. بعدها از والدینم خواستم که به من اجازه دهند تا زبان آلمانی را

بیاموزم و....."

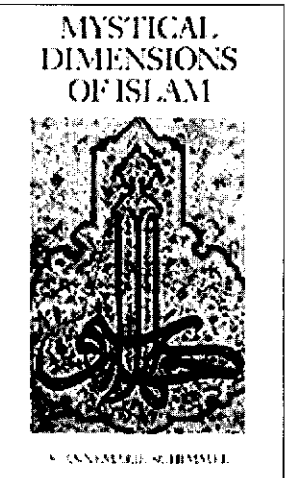
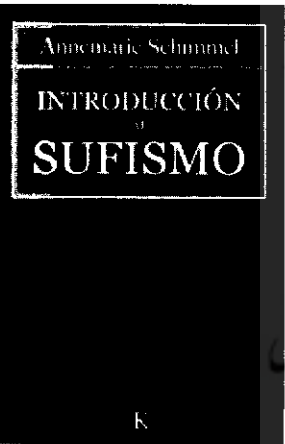
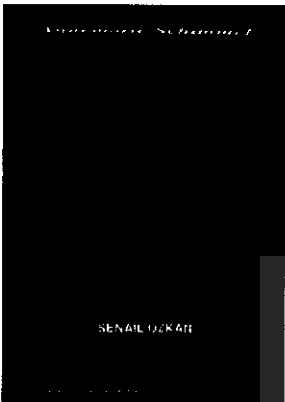
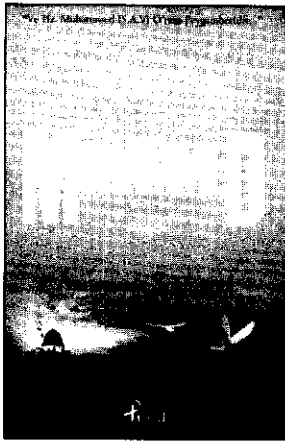
آنه ماری برگیت شیمیل هفتم آوریل سال ۱۹۲۲ میلادی (۱۸ فروردین ۱۳۰۱ شمسی) در شهر «ارفورت» در مرکز آلمان، در خانواده ای پروتستان آیین چشم به جهان گشود. مادرش خانواده ای دریانورد داشت که به جهان گردی علاقه وافر داشتند و پدرش نیز به عرفان و فلسفه علاقمند بود، بدین سبب خانم شیمیل از همان دوران کودکی در چنین خانواده ای رشد کرد و از همان آغاز دوران نوجوانی علاقه وافری به آموختن زبان های شرقی داشت. پانزده ساله بود که به فراگرفتن زبان عربی پرداخت. در سن شانزده سالگی دوره دبیرستان را به پایان رساند و مراحل تحصیلات دانشگاهی را نیز به همان سرعت پشت سر گذاشت.

نخست در دانشگاه برلین تحصیل در رشته های زبان و ادبیات عربی و علوم اسلامی را آغاز نمود و در سال ۱۹۴۱ - در سن نوزده سالگی - با اخذ درجه دکتری از این دانشگاه فارغ التحصیل شد. مدتی در وزارت امور خارجه به عنوان مترجم به کار اشتغال داشت. سپس از ژانویه سال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۵۳ در دانشگاه «ماربورگ» به تدریس در رشته های زبان و ادبیات عربی و معارف اسلامی پرداخت و در همین دانشگاه، ضمن تدریس، در سال ۱۹۵۱ دوره دکتری تاریخ ادیان را نیز به پایان رساند.

دانشکده الهیات اسلامی دانشگاه آنکارا در سال ۱۹۵۴ استاد شیمیل را برای تدریس در رشته تاریخ ادیان به این دانشگاه دعوت کرد. دوران اقامت در ترکیه فرصت مناسبی بود تا بانو شیمیل در گستره ادبیات کلاسیک ترکی و نیز در زمینه مسایل اسلام در دنیای جدید به تحقیقات دامنه دار دست زند.

از سال ۱۹۶۱ به مدت شش سال به عنوان استاد و مشاور علمی در رشته های زبان و ادبیات عربی و علوم اسلامی در دانشگاه بن به تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۹۶۷، نخست به عنوان استاد و سپس از سال ۱۹۷۰ اختیاریار کامل کرسی تدریس تاریخ ادیان خاوری در دانشگاه هاروارد امریکا شد. وی نخستین استادی بود که کرسی تدریس در رشته های فرهنگ های هندی - اسلامی را نیز به خود اختصاص داد. افزون بر این در تابستان هر سال «انستیتیوی مطالعات اسلامی» در لندن بطور مرتب کلاس های درسی برای استاد شیمیل برگزار می کرد.

پروفیسور آنه ماری شیمیل از دانشگاه های مختلفی در جهان به کسب دکتری افتخاری نایل آمده است. وی دارای سه دکتری افتخاری از دانشگاه های سند، اسلام آباد و پیشاور پاکستان است که به خاطر تحقیقاتش در زمینه های



ایات شیطانی را توسط سلمان رشدی، اهانت به عقاید مسلمانان خوانده بود. این اظهار نظر اعطای جایزه به ایشان را با بحث‌های فراوان همراه ساخت. اما به هر حال پس از مدت‌ها بحث و گفت‌وگو جایزه مذکور به خانم شimmel تعلق گرفت.

- در ۷ آوریل سال ۲۰۰۲ میلادی در مراسمی که به مناسبت هشتادمین سالگرد پروفیسور شimmel در شهر بن، محل سکونت وی، برگزار شد، سفیر جمهوری ازبکستان «نشان دوستی»، بزرگترین مدال جمهوری ازبکستان را به بانو شimmel اهدا کرد. شهر بن آلمان و شهر بخارا از آوریل سال ۱۹۹۹ میلادی «پیمان دوستی» منعقد کرده‌اند.

ب- پیشگامان شimmel در آلمان

خانم پروفیسور آنه ماری شimmel، مقدمه ترجمه برگزیده‌های از غزلیات مولانا جلال‌الدین محمد بلخی را با این شعر زیبای شرق‌شناس شهیر آلمانی، فردریش روکرت به پایان می‌برد که:

در شرق نوری است و من در غربم
قله‌ای و بر فرازش خورشیدی در تالو
و من ماهتابش
به آن سو نگاه کن، خورشید را بنگر
جلال‌الدین، خویش را خورشید مشرق

خواند

و شعر من چون ماهتاب، بازتاب آن^۳
به حق که این شعر، زحمات و تلاش‌های او را در معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی سزاست؛ زیرا او با تألیف و ترجمه بیش از صد کتاب، سهمی عظیم در انعکاس فرهنگ شرق به ویژه فرهنگ اسلامی داشته است. حسن ختام خانم شimmel در این گزیده از اشعار که توسط یونسکو به چاپ رسیده است، نشان دهنده ارادت و تأثیرپذیری وی از روکرت است. شimmel همواره از روکرت به نیکی یاد کرده است. در مقدمه کتاب گل‌های شرقی که گزیده‌های از ترجمه‌های زیبای روکرت، از شاعران بزرگ ایرانی را شامل شده است، شimmel، روکرت را این گونه می‌ستاید:

“روکرت، آن کوکب پرنور آسمان شرق‌شناسی و آن در فرید عقده شاعران آلمانی، با ترجمه‌های خود، گزیده‌ترین آثار شعر فارسی را در دسترس آلمانی‌ها قرار داده است. زیبایی این ترجمه‌ها، با وجود کمال دقت در حفظ معنی و رعایت صورت شعر اصلی، به راستی حیرت‌آور است و باید گفت: تا کنون هیچ شاعر و هیچ عالمی در زیر گنبد فیروزگون، به ایجاد نظیر آن توفیق نیافته است.”^۴

سخنان شimmel درباره گوته و تأثیرپذیری او از حافظ و نیز استفاده از گفتارهای یوزف فرایر فن هامر پورگشتال نشان می‌دهد که این بزرگان در

عرفان اسلامی، فرهنگ اسلامی در هند و پاکستان و خطاطی اسلامی به وی اهدا شده است. دانشگاه‌های اویسلا سوند، قونیه ترکیه و دانشگاه الزهرا در تهران نیز به استاد شimmel دکتری افتخاری اعطا کرده‌اند.

این بانوی گرانقدر مدتی ریاست انجمن جهانی علوم دینی، عضویت آکادمی سلطنتی علوم هلند، عضویت آکادمی ایالت راین وست فالن آلمان، عضویت آکادمی علوم و هنر آمریکا، کارشناس موزه هنر نیویورک و ویراستاری بخش مربوط به اسلام دائره‌المعارف ادیان را به عهده داشت. افزون بر این، بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ به مدت ده سال ویراستار نشریه «فکر و فن» بود. ناشر این نشریه که چهل سال است به زبان عربی منتشر می‌شود، انیستیتو گوته آلمان است و در واقع پل ارتباط فرهنگی میان آلمان و سرزمین‌های عربی زبان است.

تاکنون جوایز و نشان‌های افتخاری از سوی بنیادهای علمی و فرهنگی و مجامع ادبی کشورهای مختلف به استاد شimmel اعطا شده است که از میان آنها می‌توان چند جایزه و مدال زیر را نام برد:

- جایزه «فردریش روکرت» آلمان در سال ۱۹۶۵.

- نشان «ستاره قائد اعظم» پاکستان در سال ۱۹۶۵.

- مدال طلای «هامر - پورگشتال» اتریش در سال ۱۹۷۴.

- جایزه «یوهان هاینریش فوس» برای بهترین مترجم از سوی آکادمی زبان و شعر آلمان در سال ۱۹۸۰.

- نشان درجه اول «یونندس فردینتس گرویتس» آلمان در سال ۱۹۸۱.

- مدال «لووی دلاویدا» که هر دو سال یکبار به شخصیت علمی برجسته‌ای که در زمینه اسلام‌شناسی تحقیقاتی انجام داده است اهدا می‌شود. بانو شimmel یازدهمین محقق و نخستین زنی است که در سال ۱۹۸۷ این جایزه به او تعلق گرفت.

- در سال ۱۹۹۲ نیز طی مراسمی در دانشگاه توینگن آلمان جایزه «لئوپولد لوکاس» به پروفیسور شimmel اهدا شد.

- «جایزه صلح اتحادیه ناشران و کتابفروشان آلمان» که مهمترین جایزه فرهنگ-اجتماعی آلمان است، در سال ۱۹۹۵ به پروفیسور شimmel اعطا شد.^۲

اعطای جایزه صلح ناشران آلمان به خانم شimmel با تأخیر و بحث‌های فراوان روبرو شد زیرا خانم شimmel در برنامه ای تلویزیونی که از یکی از شبکه‌های آلمان پخش می‌شد تألیف کتاب



نایغه آلمانی، ظرف مدت اندکی، شش زبان شرقی را آموخت و تسلط او به حدی رسید که از همه این زبان‌ها، ترجمه‌های بی‌مانندی در زبان آلمانی به وجود آورد. در کتاب زیبایش درباره دعا‌های اسلامی، می‌توان از یک سو نظاره‌گر توانمندی او در زبان عربی بود و از دیگر سوی، دانش و افزونی مطالعات او را درباره اسلام مشاهده کرد

روحیه شیمیل، تأثیری بسزا گذارده‌اند. این تأثیر را می‌توان در کتاب او (مشرق زمین و مغرب زمین) که درباره دوران تبعیض در شرق شناسی است، مشاهده کرد. شیمیل همچنین مقدمه ترجمه گزیده‌هایی از غزلیات مولانا را با جمله‌های زیبایی پورگشتال در کتاب «تاریخ سخنوری در ایران» چنین آغاز می‌کند: «در طلب آن وجود ابدی که کامل‌ترین جذبه‌اش از همه موجودات زمینی و آسمانی برتر است و ناب‌ترین سرچشمه نور ابدی است و با بال‌های برترین شور و شوق روحانی که بسیار عالی‌تر از جلوه‌های ظاهری مذاهب است، مولانای روم نه به مانند دیگر شاعران غزل‌سرا چون حافظ و نه فقط بر فراز خورشیدها و ماه‌ها، بلکه بر فراز زمان و مکان، آفرینش و بخت، عهد ازلی و تقدیر و بر فراز تقدیر روزگار، در بی‌نهایت، پر و بال می‌گشاید و آن جاست که او به عنوان طالب ابدیت، در وجود ابدی و به عنوان عاشق بی‌نهایت، در عشق بی‌منتها ذوب می‌شود و خویش را برای همیشه از یاد می‌برد و تنها آن «همه بزرگ» را در مقابل دیدگان می‌بیند و به جای آن که چون دیگر شاعران در پایان غزل‌هایش به نام خویش تخلص کند، همواره نام عارف و مقتدای خویش، شمس تبریزی را به عنوان سنگ بنای زرین گنبد مینایی غزل‌هایش قرار می‌دهد»^۵

بی‌گمان، روکرت، گوته و پورگشتال، تأثیر فراوانی در گرایش اسلام‌شناس معاصر آلمانی، به سوی فرهنگ مشرق زمین داشته‌اند. البته شیمیل در علاوه بر این سه شخصیت در نوشته‌ها، کتابها و

مصاحبه‌های خود از افراد دیگری همچون یاکوب رایسکه، تئودور نولدکه، ادام اولناریوس، هلموت ریتر، و... نام می‌برد اما بی‌گمان همانگونه که بارها اشاره نموده است، پس از گوته و دیوان شرقی علاقه وافری در آلمان به حافظ و به تبع آن به عرفان و اندیشه اسلامی بدیدار شد.

ج- افکار و حوزه‌های پژوهشی ج-۱ ترجمه آثار اسلامی:

همانگونه که پیشتر اشاره شد دانشمند اهل ارفورت، در پانزده سالگی به فراگیری زبان عربی پرداخت، و یک سال بعد این زبان را فرا گرفت. نایغه آلمانی، ظرف مدت اندکی، شش زبان شرقی را آموخت و تسلط او به حدی رسید که از همه این زبان‌ها، ترجمه‌های بی‌مانندی در زبان آلمانی به وجود آورد. در کتاب زیبایش درباره دعا‌های اسلامی، می‌توان از یک سو نظاره‌گر توانمندی او در زبان عربی بود و از دیگر سوی، دانش و افزونی مطالعات او را درباره اسلام مشاهده کرد. در این کتاب، خانم شیمیل علاوه بر دسته‌بندی دعا‌های اسلامی، از قرآن، نهج‌البلاغه، نیایش امامان شیعه و مناجات عرفای اسلامی بهره می‌جوید.^۶

ج-۲ مولانا پژوهی:

ازادت او به مولانا، این شاعر ایرانی، از دیگر ساحت‌های تحقیق شیمیل است. شیمیل در مصاحبه‌ای عنوان می‌کند که سی بار به زیارت قبر مولانا رفته است. او در این عرصه، بسیار جولان می‌دهد. شیمیل، مولانا را نقطه عطفی در عرفان اسلامی می‌دانست و در این باره نوشته است:

نایاب میری شمل

KHAYABAN-E-ANNEMARIE SCH

شیمیل عقیده دارد در دورانی که سوء تفاهم میان شرق و غرب رو به فزونی است، باید مولانا و آثار او بیشتر مورد توجه قرار گیرد

مولانا، سه بار نمود می‌یابد. یک بار در قلب که عشق سوزان به شمس تبریزی است؛ دگر بار در صلاح‌الدین زرکوب و باز در حسام‌الدین چلی؛ اما شیمیل عشق زلیخا را به یوسف، بسیار زیبا می‌بیند؛ زلیخایی که همواره به یوسف می‌اندیشد و در همه چیز، یوسف را می‌بیند؛ درست همانند انسانی که به خدا عشق می‌ورزد و این عشق را به صور گوناگون بیان می‌دارد. شیمیل عقیده دارد در دورانی که سوء تفاهم میان شرق و غرب رو به فزونی است، باید مولانا و آثار او بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

ج-۳ عرفان مشرق زمین و به ویژه عرفان اسلامی، ساحت دیگری از پژوهش‌های اوست. کتاب مشهور او «ابعاد عرفان اسلام»، از جمله کتاب‌های مهم در این زمینه است. خانم شیمیل در این کتاب، به تفصیل و در بخش‌های مختلف به عرفان اسلامی پرداخته است. بهره‌گیری وی از منابع مختلف، نشان دهنده دامنه تحقیقات اوست. دانش زبانی او در زبان عربی و منابع بسیاری که او در سفرها یا اقامتش در کشورهای اسلامی به دست آورده است و یا منابعی که او در دانشگاه هاروارد در دوران تدریس در آن جا در اختیار داشته است، به او این امکان را داده تا بتواند با استفاده از فریحه بالایش، این اثر گران قدر را در معرفی عرفان اسلامی پدید آورد. خانم آنه ماری شیمیل، اسلام را دینی بسیار زیبا می‌داند و معتقد است که آن چه بیش از هر چیز

«رومی در نقطه عطف توسعه عرفان اسلامی قرار دارد که همه جریان‌های قبلی به نقطه اوج خود رسیده‌اند و راه را برای جریان‌های آینده و جدید آماده کرده‌اند تا بتوانند آغازگر حرکت‌هایی مهم باشند».

کتاب زیبایی «شکوه شمس»، نشان دهنده علاقه شیمیل و دامنه تحقیقاتش درباره مولانا است و البته شاید علاوه بر شعر مولانا، آن چه که او را به سمت مولانا سوق داده است، محتوای عرفانی آثار او باشد. خانم شیمیل معتقد است که گستره شعر مولانا بسیار وسیع است:

«گستره شعر رومی آن قدر وسیع است و از نظر جنبه‌های مختلف تجربه عرفانی به قدری غنی است و در عین حال به قدری انسانی که جای تعجب ندارد. آثار عظیم او طی قرن‌ها بارها تفسیر شده است و بخش عظیمی از شعر عرفانی اسلام از او متأثر گردیده است و شگفت‌انگیز نیست که اشعار او در گستره امپراتوری عثمانی و یا در سواحل هندوستان و شرق بنگلادش و یا در سراسر گیتی خوانده شود». به نظر او، عشق و تسلیم مطلق در برابر خداوند، پیام اصلی مولانا است. او معتقد است که مولانا در قالب داستان‌ها و تمثیل‌های زیاد خود، عشق را چنان به تصویر کشیده است که حتی برای عوام نیز قابل فهم است.

شیمیل، عشق و انسانیت را مرکز نقل زندگی مولانا می‌داند و معتقد است که عشق در زندگی



تمام عمر کوشیدم تا فرهنگ اسلامی را در غرب بهتر معرفی کنم و نیز فرهنگ کلاسیک مغرب زمین را به شرقیان بشناسانم؛ اما اوضاع کنونی برای من در حال حاضر (پس از ۱۱ سپتامبر) بسیار ناراحت کننده است و این نیز ناشی از سوء تفاهم و عدم شناخت است

او را تحت تأثیر قرار داده است، ارتباط مسلمانان با خداوند و اطمینان و توکل آنهاست.^۷

ج-۴ آداب و رسوم و سرزمین های اسلامی: اقامت شیمیل در ترکیه و تدریس در آن جا، برای او بسیار مفید بود. همچنین اقبال و پژوهش های او موجب علاقه مندی شیمیل به پاکستان شد. اقبال لاهوری نیز چون شیمیل، گرایش بسیاری به مولانا داشت. شیمیل، سفرنامه اش به پاکستان و هندوستان را در کتابی با عنوان «کوه ها، صحراها و اماکن مقدس» تدوین کرده است. کتاب «ادیان بشری»، حاصل پژوهش های او در زمینه دین شناسی است. در کتاب «گره شرقی» شیمیل به داستان ها و تمثیل های صوفیانه مشرق زمین می پردازد. شیمیل، شیفته مشرق زمین است؛ اسلام را دوست دارد و با علاقه و شیفتگی خاصی از مشرق زمین سخن می گوید.

ج-۵ شعر ملت های مسلمان: خانم سالخورده آلمانی در همنشین با اشعار پرطراوت شرقی، همواره احساس جوانی می کرد^۸ و یا شاید، چون توصیف گوته از مشرق زمین، به شرق ناب آمده است تا چشمه خضر او را جوانی بخشد و یا از آب حیات بنوشد. خانم شیمیل خود معتقد بود: «شرق را تنها با قلبی عاشق می توان درک کرد». شیمیل، معتقد بود که اسلام بیش از دیگر ادیان در معرض کج فهمی قرار گرفته است. بی گمان، شیمیل نیز با توجه به گستره مطالعاتش درباره فرهنگ، هنر و ادبیات مشرق زمین، شرق را با قلبی عاشق فهمیده است و به گفته یورگن ویترنوب، سخن گوی شهر بن، باید به تلاش ها و زحمات خانم شیمیل در شناخت و فهم اسلام، ارج نهاده شود. خانم شیمیل خود درباره فعالیت هایش می گوید:^۹

«تمام عمر کوشیدم تا فرهنگ اسلامی را در غرب بهتر معرفی کنم و نیز فرهنگ کلاسیک مغرب زمین را به شرقیان بشناسانم؛ اما اوضاع کنونی برای من در حال حاضر (پس از ۱۱ سپتامبر) بسیار ناراحت کننده است و این نیز ناشی از سوء تفاهم و عدم شناخت است» اسلام شناس آلمانی، معتقد است که تفاوت عمده شرق و غرب در این است که در غرب، دیگر آن اساس و اعتقاد سال های پیش (اعتقاد به خداوند) وجود ندارد و در واقع، این دیدگاه انسان مدرن غربی است.^{۱۰} شیمیل، طرفدار سنت است و بر آن است که بدون دین نمی توان برای مدتی طولانی زندگی کرد. شیمیل، در همه عرصه های فرهنگ مشرق زمین و به ویژه فرهنگ اسلامی، فعالیت کرده و بی شک، سهمی عظیم در معرفی مشرق زمین داشته است.

د- آثار:

پروفسور آنه ماری شیمیل بی گمان یکی از

پرکارترین شرق شناسان و اسلام شناسان معاصر به شمار می رفت که با برجای گذاشتن بیش از دویست اثر شامل ترجمه، تالیف و شرح و نوشتن مقالات علمی بی شمار و سخنرانی های فراوان درباره فرهنگ ملل مشرق زمین و بویژه فرهنگ و اندیشه اسلامی سهم بسزایی در معرفی این فرهنگ غنی به دنیای غرب دارد. البته برخی از کتاب های خانم شیمیل هنوز تنظیم نشده و دست نوشته هایی است که شاید در آینده به زیور طبع آراسته گردد اما در کتاب شناسی تنظیم شده توسط برخی محققان نام بیش از صد اثر گردآوری شده است.^{۱۱} آثار خانم پروفسور آنه ماری شیمیل را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. برخی از آثار خانم شیمیل تالیفاتی هستند که در اثر تتبع و تحقیق در موضوعات مختلف مشرق زمین پدید آمده اند مانند ابعاد عرفانی اسلام، زن در عرفان و تصوف اسلامی، مسیح و مریم در عرفان اسلامی و...

۲. برخی از آثار وی ترجمه کامل یا گزیده آثار ادبی و هنری مشرق زمین است. مانند: ترجمه گزیده مثنوی، گزیده دیوان شمس، ترجمه پیام مشرق اقبال لاهوری، جاویدنامه و...

۳. تالیفات و سروده های شخصی خانم شیمیل مانند: مشرق زمین و مغرب زمین، نوای نی و...
۴. تالیفاتی که به فرهنگ و آداب و رسوم ملل مسلمان می پردازد. مانند: اعیاد اسلامی، نام های اسلامی، خوابگزاری در فرهنگ اسلامی، اماکن مقدس در سر زمین های اسلامی، سفر در اسلام و...

کثرت آثار این اسلام شناس آلمانی و تنوع موضوعاتی که در فهرست کتاب های وی مشهود است به خوبی می تواند میزان نبوغ و توانمندی وی را در تحقیق درباره مسائل مشرق زمین نشان دهد. در بررسی آثار خانم شیمیل آنچه که بیش از هر چیز جلوه می نماید این است که آثار وی مشحون از ارجاعات فراوان به منابع مختلف به زبان های گوناگون بوده و این خود دلالت بر آن دارد که وی تا چه میزان برای پژوهش، کتب گوناگون را به زبان های مختلف مطالعه نموده است. او حتی لحظه ای از زندگی خود را به بطالت نگذرانده و در هر لحظه به آموختن اشتغال داشته است. نگاهی به آثار وی همچنین نشان می دهد که او به عرفان اسلامی، آثار عرفا و بویژه مولانا علاقه ای فراوان داشته و به همین سبب در میان کتاب های وی آثار فراوانی به عرفان اسلامی اختصاص یافته است که از آن جمله اند کتاب های: در آمدی بر عرفان اسلامی، زن در عرفان اسلامی، شکوه شمس، عبدالله انصاری و سایر عرفای افغانستان، من بادم و تو آتش درباره مولانا و... و ابعاد عرفانی اسلام که یکی از مهم ترین کتاب های وی درباره عرفان اسلامی است.

توضیحات:

- ۱- مصاحبه رادیو آلمانی برون مرزی با خانم پروفسور آنه ماری شیمل
- ۲- رک بافسانه خوان عرفان ، حسین خندق آبادی
- ۳- Ruckert, Friedrich, UYbersetzung Poesie, 1966, Wiesbaden, Otto Harrassowitz
- ۴- Josef Freier von Hammer Purgsthall, Geschichte der schoenen persischen Redekuenste Herr, Dein Wille geschehe
- ۵- فرهنگ اسلامی ۱۳۷۴
- ۶- Dichtkunst in der welt des Islam, Leipzig ۱۹۹۵
- ۷- www.Taz.de ۲۰۰۲/۴/۲
- ۸- مصاحبه رادیو آلمانی برون مرزی با خانم شیمل در تاریخ ۸۱/۸/۸۱
- ۹- (رک: افسانه خوان عرفان ، حسین خندق آبادی) برخی از مهم ترین آثار ایشان عبارتند از:
 - ۱- جایگاه خلفا و قضات در پایان زمامداری ممالیک، (رساله دکتری زیر نظر پروفسور ریچارد هارتمان)، برلین
 - ۲- زبان تصاویر مولانا جلال الدین رومی، والدورف (آلمان) ۱۹۹۴
 - ۳- پژوهشی در مفهوم عشق عرفانی در دوره‌های نخستین عرفان اسلامی، (رساله دکتری زیر نظر فریدریش هایلر)، ماربورگ ۱۹۵۱
 - ۴- ادیان جهان، مختصر تاریخ ادیان، ویسبادن ۱۹۵۱
 - ۵- گزیده‌ای از «مقدمه ابن خلدون»، ترجمه از زبان عربی از آنهماری شیمل ، توپینگن ۱۹۵۱
 - ۶- شعر شرق، به کوشش: ویلهلم گوندرت، آنهماری شیمل، والتر شوبرینگ، مونیخ ۱۹۵۲
 - ۷- جاویدنامه اقبال لاهوری، ترجمه منظوم از زبان فارسی از آنهماری شیمل با پیشگفتاری از هرمان هسه، مونیخ ۱۹۵۷
 - ۸- جاویدنامه اقبال لاهوری، شرح و ترجمه منثور به ترکی از آنهماری شیمل، آنکارا ۱۹۵۸
 - ۹- قرآن (به آلمانی) ترجمه ماکس هنینگ، ویرایش مقدمه و توضیحات از آنهماری شیمل، اشتوتگارت ۱۹۶۰
 - ۱۰- تأثیرات اندیشه مولانا جلال الدین رومی در شرق و غرب، آنکارا ۱۹۶۳
 - ۱۱- بال جبرئیل، پژوهشی در اندیشه های دینی اقبال لاهوری، لیدن ۱۹۶۳
 - ۱۲- پیام مشرق، محمداقبال لاهوری، ترجمه منظوم از زبان فارسی و با پیشگفتاری از آنهماری شیمل ، ویسبادن ۱۹۶۳
 - ۱۳- گزیده دیوان شمس، ترجمه از فارسی و با مقدمه‌ای از آنهماری شیمل، اشتوتگارت ۱۹۶۴
 - ۱۴- حلاج، شهید عشق الهی: زندگی و افسانه حلاج، به انتخاب و ترجمه آنهماری شیمل، کلن ۱۹۶۸
 - ۱۵- زیور عجم، محمد اقبال لاهوری، به انتخاب و ترجمه آنهماری شیمل ، زوریخ ۱۹۶۸
 - ۱۶- ادبیات اسلامی در هندوستان (فصلی از کتاب «تاریخ ادبیات هند» به اهتمام یان گوندا)، ویسبادن ۱۹۷۳
 - ۱۷- ابعاد عرفانی اسلام، انتشارات دانشگاه کارولینای شمالی، چاپل هیل ۱۹۷۵ (معرفی این کتاب در بخش ترجمه های فارسی آمده است)
 - ۱۸- عبدالله انصاری و دیگر صوفیان افغانستان، کابل ۱۹۷۶
 - ۱۹- از سنائی تا مولوی و اقبال، انتشارات دانشگاه کابل، کابل ۱۹۷۷
 - ۲۰- رومی، من چو بادم تو چو آتش: زندگی و آثار عارف بزرگ جلال الدین رومی، کلن ۱۹۷۸
 - ۲۱- جهان پادشاهی تراسه: مناجات در اسلام، فرایبورگ ۱۹۷۸

- ۲۲- شکوه شمس، سیری در آثار و افکار مولانا، لندن ۱۹۷۸ (معرفی این کتاب در بخش ترجمه های فارسی آمده است)
- ۲۳- رقص شعله: تصویر آتش در شعر غالب (دهلوی)، دهلی ۱۹۷۹
- ۲۴- اسلام در شبه جزیره هند، لیدن ۱۹۸۰
- ۲۵- و محمدا رسول الله: حرمت پیامبر در ایمان اسلامی، دوسلدورف، کلن ۱۹۸۱
- ۲۶- باغ معرفت، کتاب چهل پیر طریقت، به انتخاب و ترجمه آنهماری شیمل دوسلدورف ۱۹۸۲
- ۲۷- از میان حجاب: شعر عارفانه در اسلام، نیویورک ۱۹۸۲
- ۲۸- رمز اعداد: نماد اعداد در فرهنگها گوناگون، با همکاری فرانتس کارل اندرس، کلن ۱۹۸۴
- ۲۹- عشق به خدای یکتا: نوشته‌هایی از سنت عرفانی در هند اسلامی، به انتخاب و از زبان‌های فارسی، عربی، اردو و هندی ترجمه آنهماری شیمل، زوریخ ۱۹۸۶
- ۳۰- گل سرخی بردار و ترانه‌اش بخوان: شعر ملل اسلامی، (گزیده شعرهایی از زبانهای عربی، فارسی، ترکی، اردو، سندی، پنجابی و پشتو از میان ترجمه های گذشته آنهماری شیمل)، کلن ۱۹۸۷
- ۳۱- از «علی» تا «زهره» (نامهای اسلامی، از الف تا یا)، مونیخ ۱۹۹۳
- ۳۲- حکمت اسلام، اشتوتگارت ۱۹۹۴
- ۳۳- آزاده تو محقق می شود، زیباترین مناجاتهای اسلامی، بوندورف در شوارتسوالد ۱۹۹۵
- ۳۴- آیا عرفان جهان شمول (فراگیر) است؟ فرایبورگ/آلمان ۱۹۹۶
- ۳۵- جایگاه مسیح و مریم در عرفان اسلامی، مونیخ ۱۹۹۶
- ۳۶- منطق الطیر عطار و اشعاری از دیوان، الهی نامه و مصیبت نامه، ترجمه از فارسی، مونیخ ۱۹۹۹
- ۳۷- سماع و وجد عرفانی، مونیخ ۱۹۹۹
- ۳۸- تصوف، درآمدی بر عرفان اسلامی، مونیخ ۲۰۰۰
- ۳۹- زن در عرفان و تصوف اسلامی، پاریس ۲۰۰۰ (معرفی این کتاب در بخش ترجمه های فارسی آمده است)
- ۴۰- رومی، پیر معنویت، فرایبورگ/آلمان ۲۰۰۱
- ۴۱- مشرق زمین و مغرب زمین، زندگی غربی- شرقی من، (زندگینامه خودنوشت پروفسور آنه ماری شیمل)، مونیخ

منابع و مأخذ:

- ۱- افسانه خوان عرفان، حسین خندق آبادی، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۱
- ۲- ابعاد عرفانی اسلام، آنه ماری شیمل، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر اندیشه اسلامی، ۱۳۷۴
- ۳- عرفان، پلی میان فرهنگ‌ها، بزرگداشت خانم شیمل، تهران، دانشگاه تهران و مؤسسه تحقیقات علوم انسانی، ۱۳۸۳
- ۴- مصاحبه های رادیو آلمانی برون مرزی با خانم پروفسور آنه ماری شیمل

منابع لاتین :

- 1- Rueckert, Friedrich, UYbersetzungen persicher Poesie, 1966, Wiesbaden, Otto Harrassowitz.
- 2- Josef Freier von Hammer Purgsthall, Geschichte der schoenen persischen Redekuenste- Dichtkunst in der welt des Islam, Leipzig, 3 1995 Annemarie Schimmel,
- 4- www, Taz. de 2002/4/2
- 5- Rueckert Studien, Schweinfurt, 1964